



بسیج

دوهفته نامه علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

صراط

مستقیم

۱۴

پایگاه مقاومت بسیج شهید آوینی سازمان جهاد کشاورزی استان اصفهان
سال اول / شماره چهاردهم (نیمه اول اسفند ۱۳۹۱)

امام صادق علیه السلام :

**کشت کنید و درخت بنشانید؛ به خدا
قسم آدمیان کاری برتر و پاک تر از
این نکرده ند.** بحار الأنوار: ج ۱۰۳، ص ۶۸



**۱۵ اسفند ماه
روز درختکاری
گرامی باد.**

برسد، تازه میشود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمیخواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بندهء خدا باشد؛ جبههء عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بندهء خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام میخواهد؛ میخواهد انسان بسازد، الگوی انسانسازی است.

- ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پر حجم و با کیفیتی انجام دهیم - حوزه ها مسئولیت دارند، دانشوران مسئولیت دارند، محققان و پژوهشگران مسئولیت دارند، دانشگاه مسئولیت دارد - آن را مبنای برنامه ریزی مان قرار دهیم، آن را در آموزشهای خودمان وارد کنیم؛ این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم و باید دنبال کنیم. این مطلب اول و نکتهء اول در باب تمدنسازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است، که سلوک عملی است.

- فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابودکنندهء فرهنگ هاست. هر جا غربی ها وارد شدند، فرهنگهای بومی را نابود کردند، بنیانهای اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آنجائی که توانستند، تاریخ ملتها را تغییر دادند، زبان آنها را تغییر دادند، خط آنها را تغییر دادند.

- یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی سازی گناه است؛ گناههای جنسی را عادی میکنند.

**باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی
نوین بر دوش آنهاست.**

- باید تلاش کنیم. تمدن نوین اسلامی که ما مدعی اش هستیم و دنبالش هستیم و انقلاب اسلامی میخواهد آن را به وجود بیاورد، بدون این بخش تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر آن تمدن به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین المللی هم دنبالش هست؛ همه چیز با او خواهد بود، همراه با معنویت.

اجتماعی اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی اش محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی اش را انتخاب کند؟ اینها جزو مسائل اساسی ماست. حد زاد و ولد در جامعهء ما چیست؟ من اشاره کردم؛ یک تصمیم زماندار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت! مثلاً فرض کنید به شما بگویند آقا این شیر آب را یک ساعت باز کنید. بعد شما شیر را باز کنی و بروی! ماها رفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال. بعد حالا به ما گزارش میدهند که آقا جامعه ی ما در آینده ی نه چندان دوری، جامعه ی پیر خواهد شد؛ این چهره ی جوانی که امروز جامعهء ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. حد زاد و ولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانههای مجردی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعهء ما نفوذ کرده است؟

نمی شود یک تمدن را به صرف اینکه ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل این هاست؛ آنها ابزاری است برای اینکه این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید و امنیت زندگی کنند و تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند.

باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بنمایه های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است.

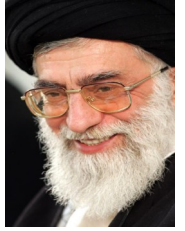
- هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد میشود. یک نقطه ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است.

- جامعه ی بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت

اصفهان : خیابان هزار جریب ، سازمان جهاد کشاورزی استان

پایگاه مقاومت بسیج : تلفن : ۷۹۱۳۰۰۶ دورنگار ۷۹۱۳۳۴۲





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آن مفهومی که میتواند اهداف نظام اسلامی را تا حدود زیادی در خود جمع کند و به ما نشان دهد، مفهوم پیشرفت است. پیشرفت، تداعی کننده ی حرکت است.

- یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت

است از **سبک زندگی** کردن (رفتار اجتماعی، شیوه ی زیستن)

- این یک بُعد مهم است؛ این موضوع را میخواهیم امروز یک قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است. بنابراین مسئله، مسئله ی اساسی و مهمی است. بحث کنیم درباره ی اینکه در زمینه ی سبک زندگی چه باید گفت، چه میتوان گفت. عرض کردیم؛ این سرآغاز و سرفصل یک بحث است.

- ما اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدنسازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبهء درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش مننی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید.

- بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزارهای

تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه ی سیاست، هم در زمینه ی مسائل علمی، هم در زمینهء مسائل اجتماعی، هم در زمینه ی اختراعات - که شما حالا اینجا نمونه اش را ملاحظه کردید و این جوان عزیز برای ما شرح دادند و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است.

- در بخش ابزاری، علی رغم فشارها و تهدیدها و تحریمها و این چیزها، پیشرفت کشور خوب بوده است.

- بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الکوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئلهء خط، مسئلهء زبان، مسئلهء کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

- تمدن نوین اسلامی - آن چیزی که ما میخواهیم عرضه کنیم - در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل میشود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن میگویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه ی این عرصه ی وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است.

- اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه ی پیشرفتهائی که در بخش اول کردیم، نمیتواند ما را رستگار کند؛ نمیتواند

به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می بینید در دنیای غرب نتوانسته. در آنجا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسانها در اجتماع و در خانواده هست، بی هدفی و بوجی هست؛ با اینکه ثروت هست. اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خوب، باید آسیب شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ بعد از آنکه علتها را پیدا کردیم، آن وقت بپردازیم به این که چگونه میتوانیم اینها را علاج کنیم.

- چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ی ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با اینکه کار جمعی را غربی ها به اسم خودشان ثبت کرده اند، اما اسلام خیلی قبل از اینها گفته است: «تعاونوا علی البرّ و التّقوی»؛ «یا:» «و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعاً و لا تفرّقوا.» یعنی حتی اعتصام به حبل اللّٰه هم باید دسته جمعی باشد.

وجدان کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخشهای مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟

چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرفگرایی رواج دارد؟ آیا مصرفگرایی افتخار است؟ مصرفگرایی یعنی اینکه ما هرچه گیر می آوریم، صرف اموری کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست. چه کنیم که ریشهء ربا در جامعه قطع شود؟ چه کنیم که حق همسر - حق زن، حق شوهر - حق فرزندان رعایت شود؟

چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آنچنان که در غرب رائج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن در جامعه ۶ ما، هم کرامتش حفظ شود و عزت خانوادگی اش محفوظ بماند، هم بتواند وظائف